



سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۹)، تابستان ۱۴۰۳، صص. ۱۱۸-۱۴۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

مقاله پژوهشی

تأثیر جایگاه دریای عمان بر خط مشی‌های امنیتی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

فاطمه‌السادات معلومی

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

حمیدرضا علیخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: h.r.alikhani@ut.ac.ir

چکیده

حوزه دریای عمان یک منطقه جغرافیایی است که در جنوب شرقی کشور جمهوری اسلامی ایران واقع شده است و به‌عنوان مکمل ژئوپلیتیکی حوزه خلیج فارس محسوب می‌گردد. در وضعیت کنونی، حوزه دریای عمان به‌عنوان یک محیط نسبتاً ناشناخته در ابعاد مختلف از جمله مغفول واقع شدن نقش عوامل و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای پیرامونی و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه و در ارتباط با مسائل دفاعی کشور محسوب می‌گردد که این موضوع موجب از دست رفتن بسیاری از فرصت‌ها و افزایش و نزدیکی تهدیدات علیه منافع ملی کشور در این حوزه خواهد شد. پژوهش پیش‌رو در پی یافتن پاسخ به این سؤال بر خواهد آمد که با توجه به جایگاه مهم ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دریای عمان، تأثیر آن بر خط‌مشی‌ها و سیاست‌های امنیتی-اقتصادی جمهوری اسلامی چگونه خواهد بود؟ در این پژوهش با روش توصیفی-تبیینی و با رویکردی پژوهشی به این نتیجه دست خواهیم یافت که دریای عمان با دور بودن از حواشی، تنش‌ها و تحولات منطقه خاورمیانه، در کنار هویت تاریخی ترانزیتی و ژئواکونومیک، در منطقه پیرامونی بیضی استراتژیک انرژی قرار دارد که ویژگی بارز آن بازرگانی، اقتصاد پویا و ترانزیت است. محورهای ترانزیتی شمال-جنوب و شرق-غرب، حلقه واصل خلیج فارس با شرق آسیا است که امکان تبادلات تجاری کشورهای حاشیه خلیج فارس با آسیای میانه را فراهم می‌کند. بهبود مناسبات منطقه‌ای میان ایران و همسایگان جنوبی عرب، ضمن پیامدهای مناسب سیاسی-منطقه‌ای، رونق اقتصادی برای ایران به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، دریای عمان، سیاست منطقه‌ای، توسعه متوازن.

شاپا الکترونیک: ۹۹۷۲-۲۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.



مقدمه

وابستگی انسان به دریا و حضورش در پهنه‌های آبی، تاریخی طولانی دارد. در این تاریخ طولانی حضور، هم فعالیت‌های اقتصادی انجام داده و هم با تشکیل نیروی نظامی دریایی، قلمروخواهی، قلمروسازی و قلمروهای دریایی را کنترل کرده و در مواقعی هم جنگ کرده است. اگرچه تفکیک فعالیت‌های بازرگانی از اقدامات نظامی نیاز به بررسی بیشتر دارد، آنچه روشن است دریاها در سده‌های نزدیک، موازی با گسترش تجارت دریایی، در سیاست‌گذاری‌ها نیز جایگاه خاصی یافته‌اند.

ژئوپلیتیک از یک طرف علم سیاست جغرافیا است؛ برای درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی و عوامل جغرافیایی که بر سیاست‌های جهانی تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را متحول می‌کند و منافع ملی را تأمین یا حفظ می‌کند و از طرف دیگر اندیشه و تفکر انسان‌ها و نهادهای صاحب قدرت است که بر خط‌مشی سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارند. ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند، معطوف می‌دارد. در مطالعات ژئوپلیتیکی، جغرافی دانان اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیای طبیعی، به‌خصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت و منابع) و سیاست یک کشور سعی می‌کنند به تفسیر وقایع و رویدادهای تاریخی پرداخته، وقایع آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین نمایند. به این ترتیب برای عوامل جغرافیایی اهمیت فراوان قائل بوده، آن عوامل را حاکم بر مقدرات و سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌دانند.

ژئوپلیتیک عبارت از مطالعه پدیده‌های سیاسی بر اساس رابطه فضایی و مکانی آن‌ها و همچنین وابستگی و تأثیر آن‌ها بر زمین و کلیه عوامل فرهنگی و انسانی است که موضوع علم جغرافیای انسانی به‌طور عام است. برخی ژئوپلیتیک را به‌عنوان یک نظریه سنتی در روابط بین‌الملل و برخی دیگر آن را به‌عنوان یک روش تحلیل سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی در نظر می‌گیرند. اما آنچه مشخص است این است که این اندیشه در گذر زمان متحول شده است. امروز ژئوپلیتیک، شامل مطالعه درباره آثار جغرافیا اعم از انسانی و مادی بر سیاست و روابط بین‌الملل است و از ژئوپلیتیک برای تحلیل سیاست خارجی کشورها، فهم، تبیین و همچنین پیش‌بینی رفتار سیاسی بازیگران بهره گرفته می‌شود. از منظر کوهن «جان کلام تحلیل‌های ژئوپلیتیک را رابطه قدرت سیاسی بین‌المللی با محیط جغرافیایی تشکیل می‌دهد».



ارائه نظریه‌های ژئوپلیتیکی، بدون در نظر گرفتن قدرت اقتصادی نمی‌تواند وضعیت ژئوپلیتیک قرن حاضر را تبیین کند. با پایان جنگ سرد و در سده بیست‌ویکم، شاخص رهبری برای کشورهای سرمایه‌داری و قدرتمند در صحنه بین‌المللی، دیگر قدرت نظامی نیست. ژئواکونومی، در واقع، اقتصاد و رابطه بین جغرافیا و قدرت اقتصادی کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زمانی که بخشی یا تمام قابلیت‌های اقتصادی کشورها در گرو مسائل جغرافیایی باشد، ژئواکونومی شکل می‌گیرد. البته، ژئواکونومی را مانند دیگر زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک (ژئواستراتژی و هیدروپلیتیک) نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از مبحث مادر دانست. چرا که هریک از این مباحث قرائت ویژه خود را از ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد.

دریای عمان، نقطه اتصال مهم‌ترین محور ارتباطی سه قاره است. خلیج فارس یا «مخزن نفت جهان» بدون وجود دریای عمان، محیط آبی بسته‌ای است که توان رسیدن به آب‌های آزاد را ندارد؛ لذا اهمیت دریای عمان در برقراری این پیوند جهانی و تسهیل ترانزیت نفت و گاز، صد چندان خواهد شد. دریای عمان و منطقه ساحلی مکران، استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بلوچستان پاکستان را دربر می‌گیرد. سالیان متمادی، این منطقه کانون توجه قدرت‌های بزرگ و بخشی از تحولات دهه‌های اخیر منطقه، متأثر از خط ساحلی و دسترسی دو کشور بر این منطقه بوده است. موقعیت استراتژیک بنادر مهم این منطقه همچون کراچی، بندرعباس، گوادر و چابهار، توجه دو کشور هند و چین با سابقه دیرین رقابت را به خود جلب کرده است؛ به گونه‌ای که شاهد تغییر استراتژی دو رقیب منطقه‌ای از نظامی به اقتصادی و حضور پررنگ آنان در سرمایه‌گذاری اقتصادی این دو کشور در مناطق فوق هستیم.

۱. چهارچوب نظری

ساده‌ترین تعریف جغرافی‌دانان از ژئوپلیتیک این است که ژئوپلیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون شونده جهانی می‌پردازد (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۲۷). البته با برداشتی دیگر، تجزیه و تحلیل عوامل جغرافیایی و تعیین تأثیر این عوامل بر روابط قدرت میان ملت‌ها و ائتلاف‌ها را ژئوپلیتیک می‌نامند (چگینی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). دوئرتی معتقد است که نگرش‌های ژئوپلیتیک با تحول محیط جغرافیایی و بسته به تعبیر انسان از ماهیت این تحول، تغییر می‌پذیرد. (دوئرتی و فالتزگراف ۱۳۷۲: ۱۰۳-۱۴۲).



ژئوپلیتیک توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند، معطوف می‌دارد. در مطالعات ژئوپلیتیکی، اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی بخصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت و منابع) و سیاست یک کشور سعی می‌کنند به تفسیر وقایع و رویدادهای تاریخی پرداخته، وقایع آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین نمایند. به این ترتیب برای عوامل جغرافیایی اهمیت فراوان قائل بوده، آن عوامل را حاکم بر مقدرات و سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌دانند (سنجابی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). گراهام فولر نیز ژئوپلیتیک را بخشی از یک فن قدیمی می‌داند که در هیئت کلاسیک بر جغرافیا به‌عنوان عامل تعیین‌کننده اصلی رفتار یک دولت تأکید می‌کند. از دیدگاه سنتی، محل استقرار یک کشور، همسایگان آن، محورهای ارتباطی و منابع فیزیکی، عوامل تغییرناپذیر و مصالحی بنیادی تلقی می‌شوند که اعمال یک دولت را محدود و علاوه بر جغرافیا برگزیده و تاریخ یک کشور نیز تأکید می‌کند (فولر، ۱۳۷۷: ۲). به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان پست‌مدرنیسم، تمامی مفاهیم دارای تاریخ و جغرافیا هستند و مفهوم ژئوپلیتیک نیز در شمول همین قاعده قرار می‌گیرد (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۱). ژئوپلیتیک در نهایت درهم‌تنیدگی سه عنصر جغرافیا، قدرت و نظم یا سلطه جهانی است. از طرفی ژئوپلیتیک تأثیر عناصر جغرافیایی بر سیاست‌های کشورها است و در ژئوپلیتیک شاهد تأثیر جغرافیا بر سیاست‌های کلان هستیم، زیرا ژئوپلیتیک یک تفسیر پویا ارائه می‌دهد؛ یعنی تفسیری که نقطه آغاز آن گذشته است و نگاه به آینده دارد.

اما «ادوارد لوتواک»^۱ در سال ۱۹۹۰ میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم سیاسی و جغرافیا کرد (لوتواک، ۱۹۹۰: ۲۸۹). در واقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، و جای خود را به اقتصاد داده است. اما باید اذعان نمود که چیزی غیر و یا در برابر ژئوپلیتیک نیست، بلکه جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است (عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹).

لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد، در واقع نشان‌دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از سوی ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی است (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۴۸-۲۴۹).

1. Edvard N. Luttwak



ژئواکونومی، اثرگذاری عوامل و زیربناهای اقتصادی در محیط ملی، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت قدرت و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در چهارچوب گفتمان ژئواکونومی روابط میان انسان در مقام بازیگر اقتصادی با فضایی که در آن تحول می‌یابد، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد (قلی‌زاده و زکی، ۱۳۸۸: ۲۶). ژئواکونومی، در واقع، اقتصاد و رابطه بین جغرافیا و قدرت اقتصادی کشورها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زمانی که بخشی یا تمام قابلیت‌های اقتصادی کشورها در گرو مسائل جغرافیایی باشد، اقتصاد جغرافیایی یا ژئواکونومی شکل می‌گیرد. البته، ژئواکونومی را مانند دیگر زیرمجموعه‌های ژئوپلیتیک (ژئواستراتژی و هیدروپلیتیک) نمی‌توان بحث جداگانه‌ای از مبحث مادر دانست. چرا که هر یک از این مباحث قرائت ویژه خود را از ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد (قلی‌زاده و زکی، ۱۳۸۸: ۲۷).

لوتواک خبر از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه نود می‌دهد که در آن عوامل اقتصادی، جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات دوران گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی، یک عامل اقتصادی، خودنمایی می‌کند. لوتواک در مقاله خود، این چنین استدلال می‌کند که تنها زمانی منطق تجارت، قادر به اداره امور دنیا خواهد بود که با کاهش اهمیت برخورداری از قدرت نظامی، رقابت واحدها دارای ماهیتی صرفاً اقتصادی باشند (Luttwak, 1990: 17-23).

از فردای فروپاشی نظام دو قطبی، نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران در قالب تئوری و نظریات مختلف به دنبال تبیین نظام سیاسی جهان بوده‌اند که هر کدام به نوعی به بخشی از موضوع پرداخته‌اند که از نشانه‌های دوره گذار ژئوپلیتیک پست‌مدرن معروف است. البته به نظر می‌رسد؛ ایده ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری ادوارد لوتواک، بیش از دیگر نظریه‌ها به واقعیت نزدیک است و حتی در تئوری‌های ژئوپلیتیک عصر پست‌مدرن، نمود آشکاری دارد (ویسی، ۱۳۸۵: ۲۲).

شایان ذکر است، از ابتدای قرن بیستم میلادی ژئواکونومیست‌ها، همواره رابطه بین بازیگر اقتصادی و فضا را مورد مطالعه قرار می‌دادند؛ یعنی تأثیر فضا بر جریان کالاها و تولیدات و نیز توانایی‌های فضایی که در فرآیند توسعه فعالیت‌های اقتصادی به کار برده می‌شد. عناصر فضایی که شامل موقعیت جغرافیایی، توزیع منابع طبیعی و انسانی، موقعیت گره‌گاه‌ها و قطب‌های تولیدی، ساختار و ویژگی شبکه‌های راه‌های ریلی و ارتباطی، سرمایه لازم برای استخراج و انتقال منابع می‌شد. با یک نگرش معرفت‌شناختی، ژئواکونومی ترکیبی از اقتصاد، تاریخ و سیاست است.



ژئواکونومی یک علم کاربردی برای ارزیابی و محاسبه عوامل و عناصر فضایی، تاریخی، فرهنگی و روان‌سنجی قومی است (Kadkhodaei, 2019).

ژئواکونومی تکنولوژی ماهرانه‌ای است برای پیشبرد منافع اقتصاد ملی در عرصه خارجی و اقدامات استراتژیکی در فضای ژئواکونومیکی، با هدف کلی شناسایی و به‌کارگیری پر مزیت‌ترین الگوها و موقعیت‌هایی که سهم و مشارکت اقتصاد ملی را در عرصه تولیدات جهانی و توزیع درآمد جهانی بیمه می‌کند (Prohntchi, 2003: 451).

۲. موقعیت ایران در نظریات ژئوپلیتیک

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب خاورمیانه است. نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکی‌ندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن، هرچند در نظریه سیستمی خود از ایران به عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند ولی در نظریه ساختار ژئوپلیتیکی جهان، ایران را بخش مهم منطقه خرد شده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد.

از نظر هانتینگتون، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. ایران هویت فرهنگی و تمدنی خود را در میان قلمروهای فرهنگی و تمدنی پیرامون حفظ کرده و در سطح گسل و تماس قلمروی ایران با سایر قلمروها، نواحی فرهنگی پدید آمده است که هویت ترکیبی آن‌ها را خصلت‌های فرهنگی-تمدنی ایران و تمدن مجاور تشکیل می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵).

دکتر مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست‌مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. برژینسکی نیز با توجه دادن دولتمردان امریکا به واقعیت‌های ایران، راهکارهای منطقی را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد.



از نظر اریک ریتر، ایران به‌عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند (احمدی و پارسایی، ۱۳۸۴: ۲۹۷-۲۷۷). گراهام فولر می‌گوید: یک فرض اصلی وجود دارد و آن این است که ایران اساساً قدرت برتر خلیج فارس است. شکست عراق در جنگ خلیج فارس، بازگشت ایران به موضع قدرت برتر را صرفاً تسریع می‌کند. تمایل اصلی ایران، حفظ قدرت بی‌رقیب در این منطقه است. به این ترتیب رفتار ایران بسیار شبیه به هند، اندونزی یا سایر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای خواهد بود. این کشور با هر قدرت خارجی که سعی در تضعیف اعمال قدرت محلی داشته باشد، مخالف است. اعم از آنکه قدرت مزبور سیاست‌های انقلابی را دنبال کند یا میانه‌رو باشد و در هر مقطعی از زمان، شور و شوقی که ایران در گسترش قدرت خود در خلیج فارس نشان می‌دهد، تا اندازه‌ای ریشه در ناکامی ایران در اعمال کنترلی دارد که در تاریخ، اسطوره و بلندپروازی، حق طبیعی این کشور قلمداد شده است (فولر، ۱۳۷۳: ۱۱۸).

۳. موقعیت ایران در نظریات ژئواکونومیک

با تغییر شاخص‌ها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمد و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع «ژئوپلیتیک نفت» و امنیت استراتژیک منابع انرژی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی مطرح گردید. بر همین اساس در آغاز سده بیست و یکم دو عامل عمده «منابع و ارتباطات» نقش اصلی را در شکل‌گیری مناطق ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک بازی می‌کنند (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۸).

به‌طور مشخص ملاک قدرت در سده بیست و یکم، توانمندی‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است. به همین لحاظ مناطق ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که منابع سرشار طبیعی و نیز تولید ناخالص ملی چشمگیر دارند. بدین لحاظ منطقه خاورمیانه، به‌ویژه حوزه خلیج فارس و دریای خزر و دریای عمان به علت در اختیار داشتن بیش از ۷۰ درصد منابع تولید انرژی، نقش ژئواکونومیک ویژه‌ای در قرن بیست و یکم بازی خواهد کرد (مینایی، ۱۳۸۲: ۲۴۵-۲۴۱).

ایران به‌عنوان مهم‌ترین کشور حوزه خلیج فارس و به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی دارای ارزش و قابلیت‌های منحصر به فردی در زمینه ژئواکونومی نیز است. از



جمله این قابلیت‌ها می‌توان به قرارگیری ایران در کنار خلیج فارس و دریای عمان که هارتلند انرژی فسیلی جهان است اشاره نمود. پیوند ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ایران در دریای خزر و آسیای مرکزی با موقعیت آن در خلیج فارس و دریای عمان که کنترل بیش از نیمی از این منطقه را در دست دارد و عامل بزرگی است که منابع و نقش‌آفرینی ایران را در آسیا و اروپا گسترش می‌دهد و هرگونه تلاش کشورهای دیگر برای نادیده گرفتن این مقام ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی ایران و اعمال فشار بر این کشور در خلیج فارس و دریای عمان و اخیراً در دریای کاسپین موجب واکنش منفی دیگر کشورهای رو به رشد خواهد شد (مجتهد زاده، ۱۳۷۵: ۵۵).

۴. جایگاه تاریخی دریای عمان

برای بررسی جایگاه تاریخی دریای عمان، سه دوره تاریخی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت:

۴-۱. دوره ایران باستان (تا پیش از پهلوی)

هخامنشیان از موقعیت استراتژیک تنگه هرمز برای گسترش نفوذ در منطقه و به‌کارگیری ناوگان‌های خود برای کشف و تسلط بر مناطق جدید در هند و مصر بهره بردند. کورش بنیان‌گذار امپراتوری هخامنشی، مرزهای طبیعی جنوبی سرزمین گسترده خود را که بیش از پنجاه میلیون نفر از ملت‌های گوناگون در آن زندگی می‌کردند، در امتداد کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان قرار داد. هروودوت، ساگارتی‌ها، سرنگی‌ها و مردم جزایر دریای عمان را ساتراپی چهارده ایران هخامنشی در زمان داریوش می‌داند که شاه، تبعیدشدگان را به جزایر دریای عمان می‌فرستاد. این ناحیه از جنوب شرقی تا سواحل شمال شرقی خلیج فارس امتداد داشته و جزیره قشم از تبعیدگاه‌های مهم هخامنشیان بوده است. حاکمیت ایران بر سرزمین‌های جنوب تنگه هرمز و شبه جزیره عربستان، بخش دیگری از فعالیت دولت هخامنشی برای نقش‌آفرینی سیاسی، نظامی و اقتصادی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود. واژه عرب و قلمرو اربایا، بارها در آثار نویسندگان سده ششم آمده است که حکومت هخامنشی برای اشاره به بدویان و سرزمین‌های بین رودخانه فرات تا مصر از آن‌ها استفاده می‌کرد (چمنکار، ۱۳۸۸: ۲۵). هخامنشیان با تسلط بر دریای سرخ یا سینوس آرابیکوس که شاخه‌ای منشعب از اقیانوس هند و دریای عمان بود، بر آب‌های بین شبه جزیره عربستان تا آفریقا دست یافتند.



این امر و تصرف مصر و دسترسی به حبشه و زنگبار سبب شد تا همه سواحل و سرزمین‌های شمال و شرق افریقا زیر حاکمیت نظامی و اقتصادی ایران قرار گیرد (جعفری ولدانی، ۱۶۵: ۱۳۸۱-۱۶۳). تکاپوی هخامنشیان در خلیج فارس و دریای عمان افزون بر آشکارسازی توانایی دریایی آن‌ها و اهمیت استراتژیک آن در سیاست‌های نظامی و بازرگانی ایران، نشان‌دهنده آن است که ایرانیان درصدد تحمیل الگوهای فرهنگی و اقتصادی بر ملت‌های پیرو خود نبودند، زیرا بخش عمده‌ای از حاکمان بومی در رأس مناصب اداری و اقتصادی نواحی خود به فعالیت می‌پرداختند. امری که ثبات، آرامش و توسعه اقتصادی را برای منطقه به ارمغان آورد. این دوره را می‌توان در حکومت‌های عصر باستان ایران تا ظهور اسلام دنبال کرد. پس از ظهور اسلام و فتح حکومت ساسانی تا برآمدن دولت صفوی اساساً دولت مستقلی در ایران مستقر نبود که بر دریای عمان تسلط داشته باشد.

در دوران سلطه پرتغالی‌ها بر عمان (۱۶۵۰-۱۵۰۷)، به سبب ضعف داخلی حکومت مرکزی و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی در ایران، دریای عمان نقش و جایگاه خاصی در ساختار حکومت ایران نداشت. ظهور شاه اسماعیل هم‌زمان با ورود پرتغالی‌ها به منطقه و تشکیل سلسله صفوی (۱۵۰۱)، گرچه به دوران طولانی نفوذ سران محلی در فارس و بنادر و جزایر واقع در سواحل جنوبی ایران خاتمه داد، اما از گسترش نفوذ پرتغالی‌ها در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و دریای عمان و حتی دست‌اندازی به برخی از سواحل شمالی آن جلوگیری نکرد، زیرا شاه صفوی و جانشینانش تا برآمدن شاه عباس به مدت یک قرن، به سبب درگیری با ترکان عثمانی و ازبکان و سرکوب شورش‌های محلی، نمی‌توانستند با یک قدرت استعماری نوظهور اروپایی رو در رو شوند.

با به قدرت رسیدن شاه عباس کبیر در آغاز قرن یازدهم هجری - او آخر قرن شانزدهم میلادی - دوران نفوذ پرتغالی‌ها در خلیج فارس به پایان رسید، بی‌آنکه اتحادی پایدار و استراتژیک میان دو کشور شکل گرفته باشد (تلس ای کوینا، ۱۳۹۳: ۶۴). شالوده سیاست خارجی شاه عباس در برقراری روابط با کشورهای اروپایی، همانا رقابت با عثمانی و رهایی سرزمین‌های ایرانی از دست اشغالگران عثمانی و پرتغالی و گسترش تجارت ایران از طریق خلیج فارس و دریای مکران بود. به همین سبب او برخلاف اسلاف خویش، مسائل مربوط به خلیج فارس و دریای مکران را به‌طور جدی پیگیری می‌کرد که پیامد آن زوال قدرت پرتغالی‌ها در این منطقه بود.



شاه عباس به تدریج و با یاری حکام محلی و در مراحل بعد با یاری انگلیسی‌ها که در چهارچوب نزاع با پرتغال و اسپانیا بر سر تسلط بر هندوستان وارد منطقه شده بودند، به ترتیب بحرین، گمبرون، جزیره هرمز و سرانجام عمان را به فرماندهی امام قلی‌خان، سردار صفوی از سلطه پرتغالی‌ها در آورد و سلطه ایران بر دریای مکران، تنگه هرمز و خلیج فارس را قوام بخشید (اسد پور، ۱۳۸۷: ۴۳ - ۴۴).

در این دوره پس از ضعف حکومت صفوی مجدداً دوره فترتی را از ضعف ایران در این مناطق شاهد هستیم؛ تا حاکمیت ایران بر این منطقه بار دیگر در دوره نادرشاه افشار در اواسط قرن هیجدهم اعاده شد. نادر با تحکیم قدرت خود بر سراسر سرزمین‌های از دست رفته ایران و فتح هندوستان، تشکیل نیروی دریایی قدرتمندی را در خلیج فارس، همراه با رونق تجارت ایران در این منطقه در مرکز توجه قرار داد و بندر بوشهر را به‌عنوان مرکز جغرافیایی سیاست‌های بحری خود در خلیج فارس و دریای عمان برگزید. او قصد داشت ایران را به قدرت بزرگ منطقه‌ای و جهانی تبدیل کند و تشکیل ناوگان دریایی را از مقدمات لازم و ضروری چنین برنامه‌ای می‌دانست (اسد پور، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

دریای عمان به لحاظ آنکه بخشی از راه مواصلاتی خلیج فارس و مناطق نفت‌خیز آن با اقیانوس هند، شرق دور، آفریقای شرقی، دریای مدیترانه و اروپا است؛ همواره از نظر اقتصادی و سوق‌الجیشی اهمیت بسیار داشته است. از آغاز قرن شانزدهم میلادی، به‌مرور توجه و ردپای دولت‌های استعمارگر و تجارت پیشه اروپایی که بازارهای شرق (چین و هندوستان) را جایگاه مناسبی برای عرضه کالا و مصنوعات خود می‌دانستند، به خلیج فارس و دریای مکران جلب شد. آن‌ها حفظ آب‌های این ناحیه از جمله دریای عمان و تسلط بر آن را در رأس برنامه‌های استعماری و سلطه‌جویانه خود قرار دادند.

دولت‌های پرتغال (قرن شانزدهم)، هلند و انگلیس (قرن هفدهم)، روس و آلمان (قرن نوزدهم) و بلژیک (اوایل قرن بیستم) به دنبال اهداف خود در دریای مکران حاضر شدند که حضور پرتغال و انگلیس چشم‌گیرتر از دیگران بود. دولت انگلیس بیشترین تلاش را برای تسلط بر دریای مکران نموده و کلیه رقبای خود را به هر نحو ممکن از صحنه خارج کرد. انگلیس در شکل‌گیری دولت‌های پاکستان، عمان و امارات متحده عربی در سواحل دریای مکران نقش به‌سزایی داشته



است. حتی برخی از بندرهای ایرانی مانند چابهار و گواتر به کمک انگلیس برای مدت‌ها در حاکمیت عمان بوده، که بعدها توسط ایرانیان باز پس گرفته شده است (ابوالقاسمی، ۱۴۰۰: ۷۸).

قرن نوزدهم در نتیجه تحولاتی که در اروپا رخ داد، میدان رقابت کشورهای اروپایی به دیگر قاره‌ها به‌ویژه آسیا نیز کشیده شد. یکی از سرزمین‌هایی که اهمیت زیادی برای دولت‌های اروپایی داشت، هندوستان بود. در جریان رقابت اروپایی‌ها برای تسلط بر هندوستان، سرزمین‌های مجاور آنجا به‌عنوان معابر دسترسی به آن سرزمین، اهمیت ویژه یافتند. یکی از این نواحی مکران بود. (تجدد، ۱۳۸۷: ۱۶).

انگلیسی‌ها که توانسته بودند، دست دیگر رقیبان خود را از هندوستان کوتاه کنند، تصمیم گرفتند برای امنیت بخشیدن به مرزهای هند، منطقه حائل در مرزهای شمال غربی آنجا تشکیل دهند. از این زمان دخالت‌های انگلیس، در امور داخلی مکران آغاز شد. در نتیجه مداخلات و تقسیم‌بندی‌های دولت انگلیس در جنوب ایران، بخش وسیعی از منطقه مکران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از کشور ایران جدا و به‌عنوان مکران هند، ضمیمه دولت هندوستان شد، که در حال حاضر این بخش در کشور پاکستان واقع است. از دیگر تصمیمات استعماری دولت انگلیس باهدف تأمین منافع خود در هندوستان، تسلط بر منابع آبی اقیانوس هند و دریاهای این حدود بود. پس تلاش داشت که با برهم زدن اوضاع سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی و تداوم سلطه استعماری خود بر منطقه، نام دریای مکران را به دریای عمان تغییر دهد و حتی نماینده‌ای به دربار شاه قاجار (ناصرالدین شاه) فرستاد و تأکید کرد که شاه قاجار نام جدید را به رسمیت بشناسد (العبر، ۱۳۶۳، ج ۴: ۸۹).

در سال‌های حکومت قاجاریه به سبب ضعف دولت‌های مرکزی ایران و ناتوانی در اعمال حاکمیت بر منطقه خلیج فارس و دریای عمان، استمرار حضور و نفوذ انگلیس در منطقه و تشدید رقابت قدرت‌های جهانی به‌ویژه انگلیس، روسیه و سپس شوروی، عثمانی و آلمان در منطقه و ایران را به شدت شاهد بودیم. اما پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، در ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس و سیاست داخلی ایران اتفاقاتی روی داد که به بازگشت دوباره ایران به صحنه سیاسی دریای عمان و خلیج فارس و مداخله نظامی در یکی از خونین‌ترین جنگ‌های داخلی این سرزمین انجامید (چمنکار، ۱۳۸۰: ۲۲۵-۲۰۷).



۴-۲. عصر پهلوی

جزایر و بنادر دریای عمان در زمینه صادرات و واردات انواع کالا نقش حیاتی را در اقتصاد ایران عصر قاجاریه ایفا کردند. با وجود این، به علت معضلات سیاسی و نظامی دولت قاجاریه، نبود یک نیروی دریایی توانمند، سیاست‌های محدودکننده دولت انگلستان، اجاره جزایر و بنادر کلیدی به اتباع بیگانه و ضعف شدید زیرساخت‌های اقتصادی، نبود خطوط مناسب مواصلاتی، عدم توجه به صنایع اشتغال‌زای بومی و امواج پی‌درپی قحطی و بیماری‌های اپیدمیک، کرانه‌های دریای عمان نتوانست همگام با تحولات اقتصاد جهانی، حرکت رو به رشد مشهودی را نمایان سازد. پیرو این فرایند، آنچه به آن محرومیت اطلاق شده و تا ادوار بعد نیز به یادگار ماند، در دریای عمان عصر قاجار دیده می‌شود (چمنکار، ۱۳۹۹: ۳۶).

دولت ایران پس از فروپاشی سلسله قاجاریه تلاش‌های همه جانبه‌ای را با هدف گسترش نقش‌آفرینی اقتصادی خود در سرحدات دریایی جنوب آغاز کرد. بررسی مجموعه عملکرد سیاست اقتصادی دولت پهلوی اول نشان می‌دهد که با وجود تمامی کارشکنی‌های خارجی و ضعف‌های ساختاری ایران در فعل و انفعالات اقتصادی، نقش‌آفرینی اقتصادی نسبت به ادوار پیشین بخصوص اواخر قاجاریه حرکت کاملاً رو به رشدی را نشان می‌دهد (چمنکار، ۱۳۹۹: ۳۶).

سلطنت محمدرضا شاه پهلوی نقطه عطفی در توجه سیاستمداران ایران معاصر به منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود. با تحکیم حاکمیت دولت پهلوی پس از مرداد ۱۳۳۲ و خروج عناصر نظامی خارجی از ایران و ضعف تدریجی دولت انگلیس، زمینه برای افزایش نقش‌آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس مهیا گشت. در ژانویه ۱۹۶۸، هارولد ویلسون نخست‌وزیر انگلستان طی یک سخنرانی در مجلس عوام این کشور عنوان کرد: «ما درصدد فراخواندن هر چه سریع‌تر نیروهایمان از شرق دور هستیم و این کار در سال ۱۹۷۱ به پایان می‌رسد، ما همچنین سعی در ترک خلیج فارس در همان تاریخ داریم» (Long, 1978: 70). سخنان ویلسون، سیاست نوین بریتانیا در آسیا را تحت عنوان «استراتژی شرق سوئز» بنیان گذارد. اساس این نظریه فراخوان و عقب‌نشینی نیروهای نظامی بریتانیا از سرزمین‌های شرق آبراه سوئز بود که از دیدگاه سیاست خارجی انگلستان شامل خلیج فارس و دریای عمان نیز می‌شد (جناب، ۱۳۴۹: ۴۳۸).

بنابراین، سیاستمداران آمریکا با شروع زمزمه‌های خروج انگلستان از خلیج فارس بر همکاری‌های منطقه‌ای تأکید ورزیدند (الهی، ۱۳۷۰: ۹۶). بدین ترتیب، رژیم پهلوی به‌عنوان تک ستون اصلی دکترین نیکسون، جایگاه ژاندارمی منطقه خلیج فارس و دریای عمان را به خود اختصاص داد. هدف عمده شاه تثبیت پایه‌های حکومت، گسترش توانایی‌های خود به خارج مرزها و داشتن یک نقش بین‌المللی بود (امیرعلایی، ۱۳۶۱: ۳۶۶). در این دوره بر اساس وجود تهدیداتی به مانند حضور شوروی در دریای عمان و تسلط بر این منطقه مهم و استراتژیک، ایران همگام با نزدیکی به دولت پاکستان، سیاست توسعه نفوذ و قدرت در اقیانوس هند را با جدیت دنبال نمود و بر این اساس، دولت پهلوی دوم سعی کرد که شعاع عملیاتی خود را در اقیانوس هند و دریای عمان گسترش دهد (فربد، ۱۳۵۴: ۱۰).

ایران در واپسین دهه عمر حکومت پهلوی دوم به قدرت بی‌مانندی در خلیج فارس و دریای عمان دست یافت که در تاریخ معاصر ایران نظیر نداشت؛ فرایندی که شدیداً تحت تأثیر تبعات مستقیم و غیرمستقیم مجموعه عوامل داخلی و فرامرزی چون خروج عناصر انگلیسی از خلیج فارس، دکترین مشارکت جمعی ایالات متحده آمریکا، افزایش قیمت نفت حاصل از جنگ اعراب و اسرائیل، توسعه نظامی دولت پهلوی به‌ویژه در بخش نیروی دریایی، روابط تنگاتنگ با جهان غرب، تحولات منطقه خاورمیانه، موقعیت سوق‌الجیشی طبیعی و تمرکز و آرامش سیاسی مقطعی حکومت پهلوی دوم بود (چمنکار، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

۴-۳. دوره جمهوری اسلامی

امروزه برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش گذرگاهی دریای عمان و وجود ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده در سواحل مکران در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی، دسترسی و ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی، شاهد اهمیت ژئوپلیتیکی این دریا هستیم که ضرورت ایجاد امنیت در این منطقه به‌منظور نیل به اهداف و منافع اساسی کشور در عرصه جهانی، منطقه‌ای و داخلی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا سواحل دریای عمان دسترسی به پهنه‌های اقیانوس هند را باز می‌کند که می‌تواند نتایج ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های حمل و نقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی داشته باشد. داشتن کرانه‌های ساحلی ایران از طریق دریای عمان به اقیانوس هند، آن را به‌عنوان



عضوی مؤثر در سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی کشورهای اقیانوس هند مرکب از قاره‌های آفریقا، آسیا و اقیانوسیه در می‌آورد (نوذری، ۱۳۹۱: ۲۶۲).

محل واقع شدن سواحل جنوب شرق ایران و دسترسی آن به کریدورهای بزرگ تجاری دنیا و مسیرهای بزرگ ترانزیت کالا و انرژی به اروپا، کشورهای مدیترانه و هندوستان، نظیر کریدور ترانزیتی شمال جنوب، گذرنده از ایران و کریدور ترانزیتی هند، ایران و افغانستان که در ارتباط با مسیرهای انتقال کالا و مواد غذایی قابل توجه است، از پتانسیل‌های اقتصادی این منطقه است. در مجموع، قرار گرفتن سواحل مکران در مسیر کریدورهای شمال جنوب و نیز قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی امکانات بالقوه این منطقه برای جمهوری اسلامی است که سعی دارد این فرصت را به امکانات بالفعل تبدیل کند (Ansari Fard, 2021:11). چنانچه این ظرفیت اخیراً در قراردادی تحت عنوان کریدور حمل و نقل میان ایران، افغانستان و هند مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر با توجه به پتانسیل و توانمندی‌های ایران در این عرصه و این‌که از ترانزیت به‌عنوان صنعتی نو یاد می‌شود، حوزه نفوذ میان‌قاره‌ای سواحل مکران و قرار گرفتن این منطقه در مسیر کشتی‌های تجاری غول پیکر و مزیت‌های اقتصادی برآمده از آن، می‌تواند قدرت کشتیرانی دریایی ایران را نیز تقویت نموده و قدرت کشتیرانی، حجم تبادلات و تراز تجاری را در گمرکات افزایش خواهد داد که این نیز خود مزیت اقتصادی محسوب می‌گردد. علاوه بر این موارد، موقعیت استراتژیکی جغرافیایی ایران در منطقه جنوب شرق و سواحل مکران این قابلیت را دارد که درآمد حاصله از ترانزیت کالا، پس از نفت و گاز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی کشور مورد توجه قرار گیرد. بنابراین موقعیت استراتژیک کشور در سواحل مکران را باید دروازه‌های ارتباط با اقتصاد کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی، قفقاز و دروازه ورود به اروپا دانست. دریای عمان جزء حوزه استراتژیک اقیانوس هند بوده که به‌عنوان یکی از پنج حوزه استراتژیک جهان شناخته می‌شود و روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و حجم وسیعی از کالا و سرمایه از طریق آن مبادله می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۴).

لذا حضور جمهوری اسلامی ایران در مرز آبی کرانه‌های عمان و تسلط بر یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین راه‌های آبی جهان، کنترل ایران را در مبادی ورودی خلیج فارس و اقیانوس هند تضمین می‌نماید و از طریق تجمیع منافع دیگران، در این ارتباط به تولید امنیت از طریق همکاری‌های بین‌المللی، هزینه تأمین امنیت این منطقه را بر عهده دیگران قرار می‌دهد و این یک



مزیت سیاسی - امنیتی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. از طرفی جنوب شرق ایران به لحاظ جایگاه نظامی توانسته است در اتخاذ استراتژی‌های بحری، نقش ویژه‌ای برای ایران ایفا نماید و آن را از توان و قابلیت تحرک میان اقیانوسی در فعالیت‌های نظامی برخوردار نماید. ایران از طریق این عرصه آبی توانسته تا حدودی به یک قدرت نظامی با حوزه عملکرد میان اقیانوسی تبدیل شود و از حوضچه خلیج فارس خود را بیرون بکشد. چرا که حوضچه خلیج فارس امکان تبدیل شدن ایران به یک قدرت دریایی را فراهم نمی‌کند. ولی دریای عمان و اقیانوس هند چنین امکانی را برای ایران دارا می‌باشند (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۱). وجود پایگاه هوایی چابهار و توسعه آن همچنین رزمایش‌های دریایی ایران در خارج از آب‌های خلیج فارس توانسته است قدرت نظارتی و کنترلی ایران را بر بخش شمالی اقیانوس هند افزایش دهد (زرقانی، ۱۳۹۱: ۶). بر همین اساس است که جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان اخیر سعی در احیای سواحل دریای عمان در همه ابعاد علی‌الخصوص نظامی و اقتصادی با کمک قراردادهای دو جانبه با هند و چین داشته است.

۵. چالش‌ها و فرصت‌ها در دریای عمان

در خصوص فرصت‌ها و ویژگی‌های مطلوب دریای عمان می‌توان گفت؛ موقعیت جغرافیایی دریای عمان و خلیج مکران، به گونه‌ای است که مهم‌ترین مرز دریایی ایران به شمار می‌آید. رسیدن به آب‌های آزاد از طریق دریای عمان سبب شده است که برخلاف دریای خزر که آبراه‌های بسته قلمداد می‌شود، امکان و دسترسی به آب‌های آزاد برای ایران ممکن گردد. دریای عمان، نقش کلیدی در دسترسی به خلیج فارس دارد. سیطره ایران بر شمال دریای عمان و جغرافیای خاص منطقه سیستان و بلوچستان با وجود چاله‌های جازموریان و ارتفاعات مکران ضریب امنیت منطقه را در برابر حملات خارجی بیشتر خواهد کرد و امکان نفوذ آنان به این مناطق را به حداقل خواهد رساند. عمق کم آب‌های ساحلی در این مناطق، عامل مهمی در عدم نزدیکی ناوهای جنگی در صورت حمله احتمالی است که می‌توان از جهت تأمین امنیت بیشتر استفاده کرد. دریای عمان، توان استراتژیک نظامی ایران را افزایش می‌دهد چرا که با دسترسی به آب‌های آزاد، محدوده‌ای بیش از حوضه خلیج فارس را در اختیار نیروی دریایی می‌گذارد. سواحل مناسب، پس‌کرانه‌های امتداد ساحل و نیز عمق مناسب دریا، بسترهای مناسب برای عبور و ترانزیت کشتی‌های تجاری و نفتی فراهم می‌آورد (سیاری، ۱۳۸۷: ۵۹).



آلفرد ماهان معتقد است موقعیت جغرافیایی منطقه دریایی که مشرف بر تنگه یا آبراه بین‌المللی باشد و نیز کمیت و کیفیت خط ساحلی آنکه امکان ایجاد بندرگاه و استحکامات نظامی را داشته باشد، بر میزان قدرت آن کشور مؤثر است. بررسی دقیق‌تر دریای عمان، تطابق ویژگی‌های جغرافیایی منطقه با نظریه ماهان را برجسته‌تر می‌کند. دریای عمان در کنار سواحل خلیج فارس، تسلط بر تنگه هرمز و برد فرامنطقه‌ای نیروی دریایی، به یکی از کانون‌های قدرت اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. تنگه استراتژیک هرمز در مجاورت دریای عمان و اشراف عملیاتی بر آن، مانع سختی در استفاده سایر رقبا است. وجود بیش از ۶۳۷ کیلومتر خط ساحلی آن نیز، دیگر ویژگی ممتاز این منطقه و افزایش ضریب توان قدرتمندی دریایی ایران در این منطقه است (سیاری، ۱۳۸۷: ۶۰).

بندر چابهار با موقعیت ویژه و قرار گرفتن در لیست ۱۰ بندر مهم جهان، قابلیت تبدیل شدن به بندر چندمنظوره را دارد. وجود بندر چابهار در این منطقه، نقش برجسته‌ای در ترانزیت کالا به آسیای میانه و بالعکس دارد. نیاز مبرم کشورهای آسیای جنوبی به منابع انرژی خلیج فارس و صرفه اقتصادی ترانزیت آن از طریق دریای عمان و بندر چابهار، اهمیت اقتصادی-ترانزیتی این بندر را چندین برابر کرده است. پروژه توسعه زیربنایی حمل و نقل زمینی آسیا موسوم به «آلتید»، موقعیت ویژه‌ای برای استان سیستان و بلوچستان فراهم آورده است تا در مسیر کریدور ترانزیتی شمال-جنوب و شرق به غرب، از پتانسیل‌های مختلف موجود به نفع افزایش سهم تجارت و اقتصاد کشور و منطقه بهره‌مند شود. قابلیت‌های توریستی منطقه مکران، نکته قابل توجه در بخش اکوتوریسم است. از آنجا که بندر چابهار دارای آب و هوای نسبتاً گرمی است، قابلیت تبدیل شدن به پایگاه توریستی زمستانی، جذب مسافر، ارزآوری و رونق اقتصادی را دارد (میرزاجانی، ۱۳۹۰: ۲۷).

در خصوص چالش‌ها نیز می‌توان چنین گفت که آلفرد ماهان، در دسته‌بندی ویژگی‌های منطقه‌ای کشورهای ساحلی، به شاخصه جمعیت کشور و جمعیت ساکن در آن منطقه اشاره می‌کند. کیفیت جمعیت و عامل انسانی در پیشبرد توسعه، فاکتور قابل توجهی است که از توجه کشورها به آن دور نمانده است. جمعیت بالا و با کیفیت فرصتی است برای کشورها در تبدیل شدن به یک قدرت مهم و مؤثر در مناطق دریایی. یکی از نقاط ضعف منطقه مکران، پراکندگی و تراکم پایین جمعیت در این منطقه به دلیل عدم توسعه یافتگی و ناامنی‌های موجود در آن است. دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب، این مشکل منطقه‌ای را با توسعه امکانات زندگی، فراهم



آوردن شرایط کار و سرمایه‌گذاری و ایجاد امنیت اقتصادی و روانی، به سهولت برطرف نماید. از عمده‌ترین مشکلات جزایر و سواحل دریایی، آلودگی‌های نفتی، فاضلاب‌ها و تأمین آب است که لزوم برنامه‌های مدون و جدیت لازم در اجرای آن با همکاری نهادهای مرتبط و نیز کشورهای منطقه و سازمان‌های بین‌المللی را می‌طلبد. ترانزیت مواد مخدر در منطقه سیستان و بلوچستان و مشکلات امنیتی آن، از دیگر معضلات امنیتی این منطقه است که با سیاست‌گذاری‌های داخلی، رونق اقتصادی و فرهنگ‌سازی از یک طرف و همکاری‌های بین‌المللی در قالب استراتژی‌های جهانی مبارزه با مواد مخدر از طرف دیگر، تا حدودی مرتفع خواهد شد (میرزاجانی، ۱۳۹۰: ۳۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

حال با توجه به مطالب مطرح شده در این پژوهش، در قالب نتیجه‌گیری می‌توان گفت که ایران در طول تاریخ کهن خود در اغلب اوقات نقش تعیین‌کننده و راهبردی در حوزه دریای عمان داشته است که این اهمیت پس از اکتشاف نفت در حوزه خلیج فارس دوچندان گردید. موقعیت ژئوپلیتیک ایران در این منطقه باعث ایجاد یک دو وجهی از چالش و فرصت شده است که جمهوری اسلامی می‌تواند با تنظیم سیاست‌های مناسب ضمن بهره‌گیری از فرصت‌های کلیدی این حوزه، چالش‌های موجود را نیز مرتفع سازد.

ایران می‌تواند با اتخاذ تصمیمات اصولی با توجه به واقعیت‌های موجود در روابط بین‌الملل سود و افری برای خود کسب کند. توجه به توسعه منطقه آزاد چابهار و سواحل منطقه مکران نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و تحکیم قدرت دریایی و نظامی ایران ایفا خواهد نمود. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر از قبل احساس می‌شود که یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه و تعارضات آشکار آن با ایران ضرورت مقابله و مواجهه با این سیاست‌ها را می‌طلبد. این مقابله و مواجهه را می‌توان در چهارچوب روابط ایران با رقبای آمریکا، مانند چین و روسیه ارزیابی کرد. در حقیقت ایران باید از ژئوپلیتیک آشوب منطقه‌ای برای تأمین منافع خود بهره گیرد.

عدم دسترسی روسیه به آب‌های آزاد، فرصتی است برای ایران، جهت فراهم نمودن شرایط دسترسی روس‌ها به آب‌های آزاد و حمل و نقل کالا و انرژی، از مسیر دریای عمان و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی ایران در بخش‌های مختلف ارتباطی- ترانزیتی در چابهار و فراهم آوردن شرایط سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه؛ راهکاری دو جانبه جهت خروج روسیه



از تنگناهای ارتباطی و فرصت بهره‌وری اقتصادی - سیاسی برای ایران در این منطقه به شمار می‌رود.

دسترسی چین به اقیانوس هند و تسهیل واردات نفتی آن از خاورمیانه اهمیت حیاتی دارد. چین درصدد است که منطقه ویژه اقتصادی را در بندر گوادر تأسیس نماید. سرمایه‌گذاری بلندمدت چین در بندر گوادر در راستای استراتژی «احیای راه ابریشم» و نقش آن در اقتصاد جهانی است. ناامنی‌های موجود در افغانستان و پاکستان به‌عنوان مسیرهای راه ابریشم در بندر گوادر، اهمیت بندر چابهار و خطوط ریلی و جاده‌ای ایران را برجسته می‌کند. این نیاز چین به نفت ارزان خاورمیانه این فرصت را برای ایران به وجود آورده است که ضمن فروش نفت خود در شرایط تحریم‌های سنگین غرب، به توسعه اقتصادی سواحل جنوب شرق خود با سرمایه‌گذاری چین و هند اقدام کند. زیرا هند نیز به دنبال و نیازمند نفت این منطقه برای نیل به اهداف خود در زمینه توسعه اقتصادی است.

از سوی دیگر سواحل مکران در جنوب شرقی ایران، به دلیل موقعیت و ویژگی‌های راهبردی که دارد از اهمیت زیادی برخوردار است، به‌طوری‌که این سواحل دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیکی مهمی است. مزیت‌ها و فرصت‌های موجود و نهفته در این سواحل می‌تواند باعث تسریع روند توسعه و پیشرفت منطقه جنوب شرق ایران و نیز افزایش قدرت سیاسی - اقتصادی کشور گردد. مزیت‌های اقتصادی و سیاسی این منطقه برای جمهوری اسلامی به حدی است که می‌تواند به‌عنوان حلقه اساسی زنجیره حمل‌ونقل، تجارت بین‌الملل، دروازه‌های مبادله انرژی، بار و مسافر دریا و خشکی و افزایش قدرت دریایی قلمداد گردد و به موضوعی جذاب برای تولید ثروت و شکوفایی اقتصادی سیاسی و امنیتی برای کشور تبدیل گردد و ایران می‌تواند با بهره‌گیری از این مزیت‌ها و عقد قرارداد با کشورهای نظیر هند و پاکستان و چین منافع بسیاری را از این ظرفیت‌های ترانزیتی و حمل‌ونقلی و در کل مزیت اقتصادی این منطقه، به دست آورده و جایگاه سیاسی - اقتصادی خود را در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارتقا بخشد. لذا انتظار می‌رود در سیاست‌های ایران، قوانین مناسب جهت بهره‌برداری از این مزیت‌ها تصویب شود که تسهیل و تسریع‌کننده بهره‌گیری از این فرصت‌ها باشد. بدیهی است که تحقق این توسعه منوط به بهره‌گیری بهینه از این منطقه و طراحی و برنامه‌ریزی طرح‌ها و سیاست‌های کارآمد است.

از بُعد منطقه‌ای نیز ایران با فعال کردن توسعه این مناطق، با توجه به قدرت نیروی دریایی راهبردی خود که توان حفظ امنیت دریایی را حتی در فرمانطقه دارا است، می‌تواند در مقابل کشورهای همسایه خود در جنوب خلیج فارس جو دوگانه‌ای از رقابت و همکاری را ایجاد کند. زیرا در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه ایران، آن‌ها نیز می‌توانند از مزیت‌های دسترسی به کریدور شمال جنوب و شرق به غرب از طریق ایران بهره‌مند شوند. در این راستا ایران می‌تواند با برقراری روابط مناسب با کشور عمان که سیاست‌های نرم‌تری نسبت به سایر شیخ‌نشین‌های منطقه در خصوص ایران دارد، دست به یک الگوسازی زده و سایر دُول جنوب خلیج فارس را برای سرمایه‌گذاری و همکاری با ایران ترغیب نماید.

در بُعد داخلی نیز باید گفت، توجه ایران به ظرفیت‌های بالای این منطقه و توسعه اقتصادی آن، می‌تواند ضمن پوشش شکاف قومیتی در این منطقه و تضعیف نیروهای گریز از مرکز، رفاه و کاهش فقر را در این استان محروم رقم بزند. زیرا علت اصلی مشکلات این استان توسعه نیافتگی و توسعه نامتوازن است. پس می‌توان با توجه به مزیت‌هایی که در طی این پژوهش به تفصیل از آن‌ها سخن به میان آمد، چالش توسعه نیافتگی و توسعه نامتوازن را به فرصت بدل کرد.



فهرست منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳). *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۴۰۰). *دریای مکران در اسناد و منابع تاریخی*، پژوهش‌های ایران اسلام، دوره ۱۵، شماره ۲۸.
- اتوتایل، جیروئید (۱۳۸۰). *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- احمدی، سید عباس؛ پارسایی، اسماعیل (۱۳۸۴). *جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک*، تهران: دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- اسدپور، حمید (۱۳۸۷). *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۷۶). *جغرافیای تاریخی دریای پارس*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- الهی، همایون (۱۳۷۰). *خلیج فارس و مسائل آن*، ج. دوم، تهران: قومس.
- بویه، چمران (۱۳۸۹). *موقعیت ترانزیتی و ژئوپلیتیکی سیستان و بلوچستان و استراتژی‌های نوین اقتصادی حوزه خلیج فارس*، مرکز مطالعات صلح، مجموعه مقالات.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۴). *ایران باستان (تاریخ مفصل ایران قدیم)*، مقدمه و شرح از باستانی‌پاریزی، تهران: دنیای کتاب.
- پورمهرانی، مهران (۱۳۸۹). *چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی*، تهران: نشر نوآور.
- تجدد، حسین (۱۳۸۷). *خلیج فارس نامی که هرگز تغییر نخواهد کرد*، مجموعه مقالات نشریه داخلی شماره ۵۰.
- تقوی اصل، عطا (۱۳۸۷). *ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- تلش ایکوینا، ژوئائو (۱۳۹۳). *نگاهی به امپراتوری با شکوه پارس، روابط ایران و پرتغال در عصر جدید (۱۷۵۰-۱۵۰۷)*، ترجمه: میترا شهابی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۹). *ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان*، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم.

- جناب، محمدعلی (۱۳۴۹). *خلیج فارس و آشنایی با امارات آن*، تهران: پدیده.
- چگینی، حسن (۱۳۸۴). *نظام مدیریت استراتژیک دفاعی*، جلد دوم، تهران: نشر آجا.
- چمنکار، محمد جعفر (۱۳۸۰). *بحران ظفار در واپسین دهه روابط خارجی ایران عصر پهلوی*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۰-۱۳۷۹، سال دوم، شماره ۵ و ۶.
- چمنکار، محمد جعفر (۱۳۸۸). *جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در سیاست خارجی ایران عصر محمدمشقی*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- چمنکار، محمد جعفر (۱۳۹۲). *نقش دولت پهلوی دوم در امنیت خلیج فارس و دریای عمان*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال چهاردهم، شماره ۵۴.
- چمنکار، محمد جعفر (۱۳۹۹). *عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان در دوره پهلوی اول*، تاریخ اسلام و ایران سال سی‌ام، شماره ۴۶ (پیاپی ۱۳۶).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ابراهیم، رومینا (۱۳۸۴). *تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیک جنوب شرق و تأثیر آن بر منافع ملی ایران*، جغرافیا: ژئوپلیتیک: زمستان - ویژه‌نامه (علمی-پژوهشی).
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۹۰). *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه‌هرمز*، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- خراسانی، صدیقه (۲۰۱۸). *ایران و دریای عمان: فرصت‌ها و تهدیدها*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC-
- دوئرتی، جیمز؛ فالتر گراف، رابرت (۱۳۷۲). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- رحیم‌پور، علی (۱۳۸۱). *تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست‌ویکم و جایگاه منطقه‌ای ایران*، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۳-۴ (پیاپی ۱۸۴-۱۸۳).
- زرقان، سید هادی؛ قلی‌زاده، معصومه (۱۳۹۱). *بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران*، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران- ۲۸ لغایت ۳۰ بهمن.
- سنجابی، علیرضا (۱۳۸۰). *استراتژی و قدرت نظامی*، تهران: انتشارات پاژنگ.
- سیاری، حبیب‌الله (۱۳۸۷). *نقش نیروی دریایی بر حفظ قدرت و سیادت دریایی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال ۵، شماره ۱۱.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). *ژئوپلیتیک در قرن ۲۱*، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۵). *استراتژی آمریکا در خلیج فارس*، همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۵/۱۱/۰۹.



- فرید، ناصر (۱۳۵۴). *قدرت‌های دریایی آمریکا و شوروی در اقیانوس هند*، ارتش شاهنشاهی، شماره ۴.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷). *قبله عالم*، مترجم عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). *نگاهی ژئوپلیتیک به زیربنای تحولات در سیاست‌های داخلی و خارجی ایران*، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۹ - ۱۶۰.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹). *ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی*، تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: انتشارات سمت.
- میر علایی، شمس‌الدین (۱۳۶۱). *صعود محمدرضا شاه به قدرت یا شکوفایی دیکتاتوری*، ج. اول، تهران: بی‌نا.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۲). *انقلاب اسلامی و جایگاه ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران*، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۷-۸.
- نوذری، فضل‌الله (۱۳۹۱). *تعیین عوامل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قلی‌زاده، ولی و دیگران (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم.
- ویسی، هادی (۱۳۸۵). *تفکر ژئواکونومی قرن ۲۱ و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

References

- Ansari Fard, M; Haji Yousefi, A. (2021). "Deterrence as a Security-defense Strategy of the Islamic Republic of Iran: Challenges, Requirements, and its Strategic Model."
- Cohen.Saul.B. (1963):" Geostrategical and Geopolitical Regions, Geography and Politics in a World Divided-Random House.
- Kadkhodaei, M; Askari, Sh. (2019). "The Security Doctrine of the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on Active Deterrence and Maintaining a Second Strike" Research of Nations. Vol. 4, no. 47, pp. 57-74.
- Long ،David. (1978): "The Persian Gulf, A introduction to its people, politics and" Economies. Boulder, West View Press: Boulder, Colerado
- Luttwak, E , (1990): "From geopolitics to geo economics: logic of conflict, grammar of commerce", The National Interest, No. 20.
- Mamdouh,Salameh. (2003): " Quest for middle east oil: the us versus the Asian- pacific region"; Energy policy, Vo. 31.
- Prohnitchi, V. (2003): "Integration of the Republic of Moldova into the European Union", GeoeconomicActions and Implications, (<http://www.ipp.md/publications/Prohnitchi.doc>).